

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

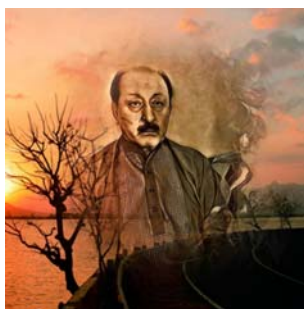
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۱۱ اکتوبر ۲۰۲۰



نعیم سلیمی

خونریزی زخم خونین زهرناسیونالیسم در قفقاز



بدون پرداختن به جزئیات کسالت آور ، مدتی می گذرد که درگیری آذربایجان و ارمنستان روی منطقه نگورنو قره باغ، در سر خط تمامی سرمقاله های رسانه های افغانستان و جهان ، قرار گرفته است.

روزنامه هشت صبح ، به تاریخ ۱۱ میزان سال جاری در یک سرمقاله ای (رد پای افغانستان در جنگ نگورنو – قره باغ) از واکنش ارمنستان به دو اعلامیه وزارت خارجه دولت افغانستان مبنی بر این که این منطقه جغرافیایی بخشی از

خاک آذربایجان خوانده شده و خواهان به اصطلاح "پایان اشغال" آن از سوی ارمنستان گردیده است، اخراج افغانستان را از پیمان امنیتی جمعی کستو (CSTO) مطالبه نموده است که به تاریخ ۱۵ می ۱۹۹۲ با حضور کشورهای ارمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و روسیه در چارچوب جامعه کشورهای مشترک المنافع در تاشکند شکل گرفته بود.

تا جایی که مربوط به موضعگیری وزارت خارجه افغانستان در زمینه می گردد، باید یاد آور شد که به قول نشریه "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" درین اواخر، زیر عنوان (بر خود آش بریده نمی تانه، برای دیگران سیمیان می بره)، چنین موضعگیری مبین سیاست "زور کم و گپ کلان" بوده که در کشمکش و درگیری های بین الامپریالیستی در دراز مدت منفعت وطنی و ملی کشور ما را در رابطه تعادل و توازن قواء در عرصه بین المللی و منطقه ئی به مخاطره می اندازد که نباید نسل جوان و بیدار این سرزمین در جال چنین دامی، خود را اسیر سازد.

درگیری بالای منطقه نگورنو قره باغ میان ارمنستان و آذربایجان، از یکسو میراث زخم خونین اضمحلال اتحاد شوروی اسبق و از جانب دیگر همزمان با احیای تدریجی مجدد نظام سرمایه داری در قلمرو روسیه شوروی می باشد که ریشه های آن را باید در تحولات و دگرگونی های دهه ۲۰ قرن گذشته این سرزمین جست و جو نمود که باید در یک جستار جداگانه تحلیلی تاریخی بالای آن روشنی انداخته شود؛ ولی آنچه را در یک چشم انداز کوتاه و کلی در این زمینه می توانیم خاطر نشان بسازیم این است که درگیری قره باغ نمادی از یک جنگ وحشیانه مبتنی بر بربریت با عکس العمل هائی پیرامون آن از تمامی جناح های درگیر بین المللی و منطقه ئی است؛ آنچه را که جالب به نظر می آید این است که در لحظه کنونی تمامی قدرت هائی که در این کشیدگی مداخله دارند، خویشان را قربانیان این درگیری قلمداد می کنند، مگر در حقیقت امر تنها انسان های زحمتکش و رنجبر در هر دو جانب اند که با ریختاندن خون های شان برای بازی های ارتجاعی امپریالیستی رهبران خود خواه و بد بین شان، بهای این جنگ را می پردازند، قربانیان واقعی این تراژیدی را تشکیل می دهند.

تجربه مثبت، ولو هم کوتاه گذشته در نخستین مراحل گسترش دموکراسی شوراها در قفقاز حاکی از آن است که یگانه راه حل بین المللی درست در تقابل با بالا گرفتن احساسات ناسیونالیستی محلی گرائی با ایجاد فدراسیون سوسیالیستی فرا منطقه ئی در امتداد سلسله کوه های قفقاز که بتواند حق تعیین سرنوشت فرهنگی و قومی را الی سر حد جدائی برای همگان یکسان بازتاب داده و تضمین نماید، می تواند به خونریزی زخم های زهر آلودی که به آن اشاره شد، نقطه پایان بگذارد.

دیدگاه شما در زمینه چه خواهد بود؟